

دانش افزایی (فقط برای مطالعه)

زندگینامه ی شهید جهادگر حاج هاشم ساجدی

شهید بزرگوار، حاج هاشم ساجدی، در ۴ تیر ماه ۱۳۲۶ در خانواده ای مذهبی و روستایی در کلاته دامغان چشم به جهان گشود. در شش ماهگی از نعمت وجود پدر محروم شد و به کمک گذشت و فداکاری مادر مراحل رشد و فراگیری علم را طی کرد. از همان ابتدا آنقدر سلیم و آرام بود که اعتماد به نفس و اطمینان در او مشهود بود. اطرافیان و افراد فامیل می گویند. هاشم از همان کودکی با دیگران فرق داشت و به انجام کارهای صحیح علاقه نشان میداد. از هفت سالگی نماز خواندن را آغاز کرد دوران ابتدایی را در همان روستا گذراند و بعد از آن همراه برادر به به کرج رفت و مدت دو سال به ادامه تحصیل پرداخت. مدتی به کار مشغول بود، تا اینکه به استخدام سازمان پنبه گرگان درآمد. و در کنار آن شبها به ادامه تحصیل پرداخت و موفق به اخذ مدرک دیپلم در رشته طبیعی شد. از سال ۱۳۵۵ به بعد فعالیت‌های ایشان شکل گسترده تری پیدا کرد خانه او کانون فعالیت انقلابیون شده بود، تا جایی که ساواک خانه ایشان را تحت نظر گرفت و قصد دستگیری اش را داشت. پس از اینکه امام دستور تشکیل کمیته را دادند، ایشان به همراه سایر افراد حزب الله جزء موسسین کمیته انقلاب اسلامی در گنبد بود، با فرمان امام مبنی بر تشکیل جهاد سازندگی در ۲۷ خرداد ۱۳۵۸ شهید ساجدی جزء اولین کسانی بود که در تاسیس و تثبیت جهاد گنبد نقش بسزایی داشت. و به عنوان مسئول جهاد به سازماندهی و ارائه خدمات پرداخت در سال ۱۳۵۹ از جهاد گنبد استعفا داد و به فعالیت در اداره کشاورزی مشهد پرداخت. و همزمان به تحصیل علوم اسلامی در دانشگاه علوم اسلامی مشهد مشغول شد. و سال ۱۳۶۰ مجدداً به ادامه فعالیت در جهاد مشهد پرداختند. با شروع جنگ به جبهه رفت. در اکثر عملیات‌هایی که منجر به ازادسازی بخش‌هایی از میهن اسلامی شد، شرکت داشت، در سال ۱۳۶۱ پس از تشکیل قرار گاه‌های چهارگانه جهاد در جنگ، مسئولیت قرارگاه نجف به شهید ساجدی واگذار شد که امور مهندسی عملیاتی که در غرب کشور صورت میگرفت، به عهده این قرارگاه بود. از ویژگی‌های بارز ایشان ایمان و اعتقادش به ولایت فقیه بود، و معتقد بود هر چه ایشان بگوید وظیفه است که انجام دهیم. سرانجام در این ماه ۱۳۶۳ در حین سرکشی از محورهای عملیاتی در غرب کشور و انجام دادن مسئولیتهای پشتیبانی-مهندسی جنگ توسط چند تن از مزدوران که کمین کرده بودند از ناحیه شکم و سینه مورد اصابت شقار گرفت و به شهادت رسید.

منبع: بنیاد شهید خراسان

گنج حکمت: خاکریر

بند اول: در لحظات اول عملیات که خطوط دشمن شکسته شد، پشت سر نیروهای ما ارتفاعات موسوم به «کله قندی» بود که دشمن با استقرار سلاح های زیادی قلّه را در دست داشت. شهید ساجدی با توجه به این که نسبت به همه مسائل آگاهی داشت، روحیه خود را نباخته، احداث یک خاکریر دوجداره را تنها راه حل می دانست. با توجه به امکانات محدود مهندسی و دید و تسلط دشمن، قبول و اجرای این طرح خیلی سخت بود. به ویژه که لازم بود در فاصله زمانی شب تا سپیده دم اجرا و احداث می گردید ولی ایشان به اجرای این طرح ایمان داشت و با قاطعیّت می گفت: «خاکریر را صبح تحویل می دهیم.»

مفهوم درس: ایثار و پشتکار رزمندگان / خلاقیت / امیدواری و تلاش زیاد و روحیه ی بالا و توکل به خداوند

قلمرو زبانی

اهمیت املائی کلمات (احداث، مسائل، سلاح، ارتفاعات، خطوط، قاطعیّت) / کله قندی: وندی مرکبه / (بوژه که.): حرف ربط وابسته ساز، لازم بود، جمله ی وابسته / خطوط دشمن شکسته شد: (شکسته شد) فعل مجهول / ترکیب اضافی: خطوط دشمن، دید دشمن، تسلط دشمن / ترکیب وصفی: لحظات اول، سلاح های زیادی، یک خاکریر، خاکریر دوجداره / اجرای این طرح خیلی سخت بود: سه جزئی بامسند / تنها راه حل می دانست: (تنها راه حل): گروه مسندی / گروه های اسمی: شهید ساجدی: شهید، شاخص، ساجدی هسته / خطوط دشمن: خطوط: هسته، دشمن: وابسته، مضاف الیه / استقرار سلاح های زیادی: استقرار: هسته، سلاح وابسته / زیادی: صفت مضاف الیه، وابسته ی وابسته / احداث یک خاکریر: احداث: هسته، یک: وابسته صفت مضاف الیه، خاکریر: مضاف الیه / اجرای این طرح: اجرا: هسته / این: صفت مضاف الیه / طرح: مضاف الیه / پشت سر نیروهای ما: پشت: هسته / سر: مضاف الیه / نیروها و ما: مضاف الیه مضاف الیه / ساختمان واژه: ساده: مسائل / وندی مرکب: دوجداره / مرکب: خاکریر / خطوط: جمع مکسر خط / لحظات جمع لحظه (عربی) / امکانات محدود مهندسی و دید و تسلط دشمن: (واو) (حرف عطف) / ولی ایشان به اجرای طرح ایمان داشت: ولی: (حرف ربط)

قلمرو ادبی

شب، سپیده دم: تضاد/قله را در دست داشتن؛ کنایه از: مسلط بودن/روحیه خود را نباخته بود؛ کنایه از: امیدوار بودن

قلمرو فکری

خاکریز دوجداره: دو خاکریز به موازات هم ساخته می شود که هم برای پناه گرفتن سربازان در بین آن دو خاکریز است و هم اگر بمب و خمپاره به طرف آنان شلیک شود به خاکریز ها اصابت می کند.

بند دوم: عملیات احداث خاکریز شروع شد. آن شب برادران جهاد و در رأس آنها شهید ساجدی آرام و قرار نداشتند. در اولین دقایق صبح، احداث این خاکریز هشت- نه کیلومتری به پایان می رسید و خاکریزی که توسط دو نیروی مهندسی شروع شده بود، تقریباً در وسط به هم رسیدند و اتمام خاکریز روحیه عجیبی در بین برادران جهادگر و رزمنده ایجاد کرد اما این کار شهید ساجدی را راضی نمی کرد.

قلمرو زبانی:

اهمیت املایی: راس، روحیه، عملیات/جهادگر: وندی /رزمنده: وندی/ترکیب اضافی: برادران جهاد/ترکیب وصفی: آن شب، اولین دقایق، این خاکریز، روحیه ی عجیبی، این کار، دو نیروی مهندسی/گروه های اسمی: عملیات احداث خاکریز: عملیات، هسته، احداث، وابسته، خاکریز وابسته (مضاف الیه مضاف الیه)/آن شب؛ آن: وابسته /شب: هسته/برادران جهاد: برادر هسته/جهاد: وابسته/اولین دقایق صبح: اولین وابسته، صفت، دقایق: هسته/صبح: وابسته، مضاف الیه /شروع شد: فعل مرکب/آن شب: گروه قیدی / آن: وابسته پیشین /نهاد: برادران جهاد/شهید ساجدی: معطوف به نهاد/راس آنها: متمم اسم /آرام: مفعول/قرار: معطوف به مفعول /اولین دقایق صبح؛ اولین: وابسته پیشین / دقایق: هسته /صبح: مضاف الیه /به پایان می رسید: فعل /احداث این خاکریز: گروه نهادی / این: وابسته وابسته / خاکریز: مضاف الیه/تقریباً: قید /به هم: متمم رسیدند: فعل /ایجاد کرد: فعل /روحیه عجیبی: گروه مفعولی؛ روحیه: هسته /عجیبی: صفت /بین برادران جهادگر: گروه متممی (بین: هسته / برادران: مضاف الیه/ جهادگر: صفت، وابسته وابسته) /رزمنده: صفت، وابسته وابسته /راضی: مسند/این کار: گروه نهادی (این: وابسته / کار: هسته)

قلمرو ادبی

شب و صبح : تضاد

قلمرو فکری

تلاش و خستگی ناپذیری رزمندگان

بند سوم: او پیش بینی می کرد که با توجه به تسلط دشمن بر ارتفاعات روبه رو و ارتفاعات پشت، امکان زیر آتش گرفتن بچه ها می رفت؛ به همین دلیل مرحله دوم کار را شروع کرد. خاکریزی به طول چند کیلومتر در پشت خاکریز اول که از آن به عنوان خاکریز دو جداره یاد می شود، احداث نمود. آن روز با تدبیر حساب شده شهید ساجدی، رزمندگان توانستند در برابر نیروهای دشمن مقاومت کرده و به پیروزی برسند. روایت سنگرسازان ۲، عیسی سلمانی لطف آبادی

قلمرو زبانی:

تدبیر: دوراندیشی، درایت/تسلط: مسلط بودن/احداث: تاسیس، ایجاد کردن

او پیش بینی می کرد که با توجه به تسلط دشمن امکان زیر آتش گرفتن بچه ها می رفت:(که) حرف ربط وابسته ساز/در برابر نیروهای دشمن مقاومت کرده و به پیروزی برسند:(واو) حرف ربط/خاکریزی به طول چند کیلومتر احداث نمود: احداث، مسند، نمود: فعل اسنادی /ارتفاعات رو به رو(رو به رو: صفت وندی مرکب/ارتفاعات پشت: ترکیب وصفی/ترکیب اضافی: تسلط دشمن، نیروهای دشمن/ترکیب وصفی: خاکریز دوجداره، تدبیر حساب شده، ارتفاعات روبه رو/گروه اسمی: مرحله ی دوم کار، مرحله: هسته، دوم، وابسته، کار وابسته/پشت خاکریز اول؛ پشت: هسته /خاکریز: مضاف الیه /اول: صفت مضاف الیه/ساختمان واژه؛ ساده: احداث، دشمن، ارتفاعات/مرکب: خاکریز/وندی مرکب: دوجداره، پیش بینی

قلمرو ادبی

"آتش" استعاره از: گلوله باران/زیر آتش گرفتن: کنایه از گلوله باران شدن

قلمرو فکری

تلاش و پشتکار خستگی ناپذیر رزمندگان و قدرت و صلابت و ترک راحتی و شجاعت رزمندگان حق و پیروزی بر دشمن.

قرابت معنایی

* شرار آتش قهرت اگر به کوه رسد/ز خاصیت، همه اجزای او شکر گیرد
* مبارزان تو غران روند بر سر خصم /چو شیر را که برای شکار بگشایند
* شجاعت تو که مران نصرت وظفر است /در او به صورت رستم عیان شود تمثال

تحلیل : خانم لیلا رحمانی، خوزستان، گروه دبیران ادبیات ایران ، شهریور ۱۳۹۷